



## شماره ثبت: ۳۱۵۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	.....مرور گذشته
۲	.....فرع پانزدهم
۲	.....تفاسیر روایات
۳	.....فرع شانزدهم
۳	.....اشکال به فرع شانزدهم
۳	.....تفاسیر روایات محبت بقا
۴	.....نکته
۴	.....قاعده‌های عون غیر از ظلم و ظالم
۴	.....نکته



## مرور گذشته

در ذیل قاعده دوم، فروع و نکاتی عرض کردیم، تاکنون چهارده فرع عرض کردیم.

## فرع پانزدهم

روایاتی که اعوان الظلمة را ذکر کرده بود و مربوط به قاعده دوم بود؛ بار اضافه‌ای بر قاعده اول دارد. این مورد موافقت همه است. این حجم انبوهی از روایات بار اضافه‌ای بر اعانه بر ظلم دارد. قاعده اول این است که اعانه بر ظلم قبیح است. در این روایات چیزی افزون بر آن دارد.

## تفاسیر روایات

در این روایات سه نوع تفسیر وجود دارد:

۱. این تفسیر همانی است که عرض کرده بودیم. موضوع روایات، ظالم خاص است. منظور از ظلمه نیز، دستگاه غیر مشروع است. عمده علما، تفسیرهای دیگری کرده‌اند.

۲. این تفسیر قائلانی دارد مثل شیخ (ره)، آقای خویی (ره). منظور این‌ها کسی کمک‌کار رسمی ظلمه به حساب بیایند. ظلمه را محدود نکردند. ایشان می‌گویند اعوان الظلمه حالت ملکه‌ای دارد. کسی مأمور و کارگزار آن‌ها باشد. یا مثلاً معمار، خیاط دربار باشد. مطلق همکاری مدنظر ایشان نیست. همکاری که به صورت مستمر وجود دارد، منظور ایشان است.

۳. این تفسیر حضرت امام (ره) است. اگر کسی جزء کارگزاران حساب‌ها بیاید، نام وی در دیوان آن‌ها ثبت شده باشد، مصداق عون الظلمه است. در اینجا اعوان به صورت رسمی است. تمام کارها و کارگزاران را شامل نمی‌شود.

البته تفسیر چهارمی وجود دارد. که اعوان الظلمه، همان اعانه بر ظلم است. البته این تفسیر را کسی قائل نیست.

ما قائل به این هستیم که ظلمه را خاص می‌دانیم و عون را عام می‌دانیم. این یک حکم سیاسی اسلامی است برای حکومتی که نامشروع است. این قاعده‌ی بازدارنده‌ای است برای کسانی که مشروعیت ندارند و اگر تمام مردم این امر را دقت کنند، هیچ حکومت نامشروعی برپا نمی‌شود.



## فرع شانزدهم

در بعضی از روایات اشاره داشتند که محبت بقای ظالم اشکال دارد. همچنین رضای تداوم حکومت ظالم مورد اشکال است. بعضی از فقها این امر را نپذیرفتند. آیت الله تبریزی (ره) می فرماید بین افسد و فساد، علاقه به فساد است. ایشان می فرمایند منظور از محبت بقای ظالم، حرمت نیست بلکه کراهت دارد.

## اشکال به فرع شانزدهم

افعال قلبی می تواند مشمول احکام بشود. قطعاً فعل قلبی شامل حکم است. در کفر، افعال جوانحی مطلق احکام قرار گرفته است. افعال جوانحی، فعل اختیاری است. چیزی که اختیاری است نیاز نیست که ظاهری و غیر ظاهری باشد. اگر حکمی، رفتاری درونی ما را شامل بشود، نیاز نیست که بگوییم اشتباه است.

## تفاسیر روایات محبت بقا

۱. محبت بقا یعنی یک جور کمک نکن، یعنی حمل کنیم بر رفتارهای ظاهری برآمده از رفتارهای باطنی.
  ۲. تفسیر دوم این است که محبت مانع ندارد که متعلق به حکم باشد، ولی بعید است که صرف عناوین حرام باشد. بیشتر مطلب کراهتی دارد. در روایت صفوان نیز چون لا احب دارد، کراهت را معنی کنیم.
  ۳. با توجه به اینکه افعال جوانحی، می تواند اختیاری باشد، در نتیجه می تواند متعلق احکام خمس باشد. در روایاتی مثل صفوان، قرآینی وجود دارد که حرمت را نشان می دهد. ظاهر روایات خود جوانحی است نه اینکه آثار آن موضوع باشد. از لحاظ حکم هم همان حرمت است. این تفسیر، تفسیر مطلوب ما است. در این روایات، دستگاه مخالف معصومین (علیهم السلام) است. در نتیجه قطعاً حرام است.
- اگر امر دایر بر افسد و فاسد شد، ما قطعاً کمک فاسد خواهیم کرد. اما این نظر آیت الله خویی (ره)، کلی نیست. یعنی همیشه این چنین نیست.
- کل بحث ما در اینجا این است که نظام اعتقادی انسان، می تواند متعلق به حکم باشد. یعنی اعتقاد به دوزخ یا توحید، دارای حکم است. اما اگر چیزی اختیاری نباشد، حکمی شامل او نخواهد شد. اما اگر چیزی اختیار باشد، می تواند دارای حکم باشد.



## شماره ثبت: ۳۱۵۰

### نکته

در روایات زیادی گفته‌اند: بر نیت سوء مؤاخذه نمی‌کنیم. اما بر نیت خیر، پاداش می‌دهیم. این یعنی حکم بر او است. بر نیت سوء کراهت وارد شده است و نیت خیر، استحباب یا وجوب واقع شده است.

### قاعده‌های عون غیر از ظلم و ظالم

به جز دو قاعده‌ی مذکور، چند قاعده‌ی دیگر داریم.

در نقطه‌ی مقابل عون الظلم و عون الظالم، قاعده عون المؤمن و عون المظلوم داریم. اگر به کتاب جهاد النفس تأملی کنید؛ در روایاتی این تعابیر را مشاهده می‌کنید. در احکام العشرة نیز روایاتی وجود دارد که به این موضوع پرداخته‌اند. این عون به چند قسمت تقسیم شده است.

۱. عون به تمام انسان‌ها، حیوانات و .... کمک به دیگران، امر ترغیبی است. این قاعده الزامی نیست، بلکه استحبابی است.

۲. قاعده دیگر عون در مقام اضطرار است.

۳. قاعده دیگر عون المظلوم است. در بعضی جاها، استحباب و گاهی وجوب دارد. قطعاً در جایی که کسی مظلوم است و مورد قتل، عرض و ناموس او در خطر است، عون واجب است. نهی از منکر نیز یک درجه از عون است.

### نکته

هر امری که در اخلاق گفته شده است باید در فقه مورد بحث قرار گرفته شود. باید ابوابی در فقه تأسیس بشود که امور اخلاقی را شامل بشود. در نتیجه باید توسعه‌ای در فقه پیدا شود که ناظر به امور اخلاقی شود.